

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: علی متقیان
- سردبیر: هادی خسروشاهین

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری
- سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

در دلم چیزی ویران شده چیزی که نمی دانم چیست واضطراب و دلشوره مثل مهبی در ته دره ای بی آفتاب جایش را گرفته است. باید خودم را بالا بکشم. به سوی روشنایی سبز و چشم اندازهای دور.

روزها در راه
شاهرخ مسکوب



حضرت علی (ع):
اگر مقام ماندنی بود به تو نمی رسید.

سخن روز

وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۴



نقل قول

خبر درجه یک این روزها

شنبه ۲۲ دی ماه شب ویژه ای برای من است. واقعاً خوشحالم که بعد از حدود ۶ سال کامکارها دوباره کنسرت دارند. اسم گروه و خانواده کامکارها برای من همیشه تجربه چند حس توأمان را به همراه دارد؛ هم دلتنگی است، هم خوشحالی و هم دوست داشتن و لذت بی نهایت. چون کرد هستم، از بچگی موسیقی کامکارها را شنیدم و کیف کردم. بزرگ تر هم که شدم همیشه پیگیر کارهایشان بودم. وقفه چندساله در اجرای کنسرت این گروه برای من خیلی ناراحت کننده بود و طبیعتاً حالا خیلی خوشحالم که با همکاری فیلمیو این اتفاق می افتد. خبر درجه یک این روزهای حوزه فرهنگ و هنر شاید همین باشد که یک خانواده درجه یک بعد از ۶ سال کنسرت برگزار می کنند، آن هم به شکل ارکسترال. یعنی حتی ویژه تازۀ تمام کنسرت هایی که ما از کامکارها دیدیم، مشتاقم زودتر ۲۲ دی ماه برسد و طی دو سانس ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰ به سالن اسپیناس برویم و با هم از دیدن و نشنیدن این کنسرت لذت ببریم.



از صحبت های ویدیویی هوتن شکبیا در انتظار کنسرت گروه کامکارها



نگاره

حسرت



طراح: سیلوانامو



فضای مجازی

کتاب تازه ای از فرهاد حسن زاده

فرهاد حسن زاده نویسنده سرشناس ادبیات کودک و نوجوان، در پستی خیر از انتشار کتاب تازه اش داده و به قلمی آمیخته با طنز معرفی مختصری از آن را برای علاقه مندان ارائه کرده است. او نوشته: «بالاخره دومین جلد از مجموعه نیشگون ها هم منتشر شد. این کتاب که «کافه نیشگون» نام دارد کشکولی از تکه های طنز است که برای شادی دل نوجوان ها و باز شدن نیش شان نوشته شده است. جهت اطلاع عرض کنم که فضای کلی کتاب یک کافه است و در این کافه میزهای مختلفی وجود دارد مثل میز نیش و نوش که شعرهایی از شاعران کافه را می توانید بخوانید. سر یکی از میزها فالگیری است و متولدین ماه های مختلف از آخر و عاقبت روزگار خود باخبر می شوند. یکی از میزها نیشخوان بر وزن پیشخان است که داستان هایی به سبک حکایت های کهن خورانده می شود، یک میز هم هست به اسم «هم نیش» یا میز ارواح بزرگان طنز که خیلی مختصر و مفید با ذکر نمونه کار ادای احترامی کرده ایم به نویسندگان طنز در ایران. در این کافه میز داستان های فستیولی و میز تعبیر خواب هم داریم، از همه مهم تر اجرای موسیقی زنده هم در کافه گنجانده شده، یعنی استیجی دارد که در آن موسیقی سنتی و مدرن قابل شنیدن است. چیزهای دیگری هم نوی منو هست که مانند حلوا تن نشانی می ماند.»

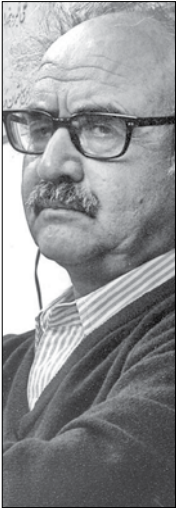
نوشته حسین پاکدل درباره کودکان اوتیسمی

حسین پاکدل بازیگر سینما، تلویزیون و کارگردان تئاتر، در تازه ترین نوشته خود به پست اخیر محمد علی جعفریه، مدیر انتشارات ثالث واکنش نشان داده است. جعفریه روز گذشته خبر از رونمایی کتاب «هم قصه» داده بود. پاکدل در همین رابطه نوشته: «وقتی علی جعفریه زنگ زد برای رونمایی کتاب «هم قصه»، ابدأ تصور نمی کردم یا به جهانی دیگری می گذارم. کتاب چند روایت سهمگین از زبان خانواده های درگیر با طیف اختلالات اوتیسم است که محمد بزگر به گوشش انجمن اوتیسم ایران فراهم آورده و همراه عکس های عبرت آموزی توسط نشر ثالث به چاپ رسیده است. قرار بود صحبت کنیم. چه صحبتی داشتیم در مقابل کسانی که خود غرق اندوه اند و بار کوهی از مسئولیت و همراهی تمام نشدنی را بردوش های نحیف خود حمل می کنند.» در بخش دیگری از نوشته پاکدل آمده: «دکتر شبیری در حد وقت توضیحاتی در خصوص اوتیسم و انواعش داد کم کم چشم هایم باز شد. برای من که تصویری ابتدایی از اوتیسم داشتم، این نشست یک ترم دانشگاهی بود. پر شدم از تصور درد و رنج دمداد خانواده های گرفتار. دیگر بغض امانم را بریده بود، گفتم ما به حسب ظاهر چنین مصائبی نداریم. نمی توانیم لحظه ای تصور کنیم به راحتی ممکن است درگیر این بلا شویم؛ همان قدر که خانواده های افتاده در این وضعیت هرگز فکر نمی کردند روزی تمامیت زندگیشان تحت تأثیر تبعات بفرنج اوتیسم قرار گیرد. از آنها خواستم همین لحظات را ثبت کنند به صورت روایت و قصه یا هر شکل که می توانند تا دستمایه شود برای هنرمندان و خلق آثاری آگاهی بخش. ما نیاز به آگاهی داریم تا اگر در همسایگی یا گذر یا فردی مبتلا مواجه شدیم درکش کنیم.»

رونمایی از پلنفرم «شیدا» با سریال شهاب حسینی

سریال تازه شهاب حسینی با عنوان «آبان» در پلنفرم تازه تأسیس شیدا پخش می شود. امین حیایی، لاله مرزبان، میرسعید مولویان، مینا ساداتی، بهاره کیان افشار و بهزاد خلج دیگر بازیگران این سریال به کارگردانی رضا دادویی و تهیه کنندگی مجید مولایی هستند. به غیر از این سریال، «شیدا» سریال پرهزینه «ابمصدق خمار» را نیز در حال فیلمبرداری دارد که گفته می شود پخش آن به عید نوروز یا سال آینده برسد.

روزنامه اینترنتی سینما



انتشار کتاب تازه شفيعی کدکنی

کتاب «مقامات حاتمی: مناقب ضیاءالدین حاتمی جوبینی» با تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفيعی کدکنی منتشر می شود. این کتاب، مناقب یا مقامات ضیاءالدین حاتمی جوبینی است، عارفی از خراسان قرن ششم هجری که اندکی پس از وفات وی تألیف شده است و آینه ای است برای شناخت جغرافیای تاریخی روزگار او و تصویرگر مسائل اجتماعی و سیاسی بخشی از خراسان عصر اوست. این کتاب در ۳۹۲ صفحه تا پایان سال جاری در «نشر سخن» در بازار کتاب عرضه خواهد شد. /ایستا

نگاهی به برنامه پرسر و صدای وحید آقاپور

در مذمت آقای ممیز

یادداشت

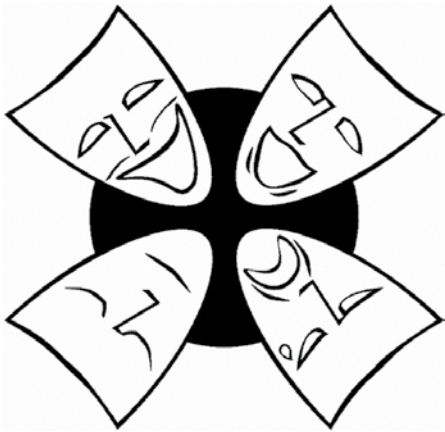


احسان طهماسبی

روزنامه نگار

هرچند که سابقه فعالیت وحید آقاپور در تئاتر به اواخر دهه ۷۰ بازمی گردد و حدود ۱۰ سال بعد و در سال ۱۳۸۷ فعالیت جدی او در تلویزیون و سپس سینما آغاز شده است، اما عمده شهرت این بازیگر در میان مردم، مدیون تاک شو «ممیزی» و استمرار فعالیت او در ۴ فصل این مجموعه، به دنبال محبوبیت در میان مخاطبان شبکه های اجتماعی و پلنفرم فیلمو بوده است. سریالی که در سال ۱۴۰۳ به کارگردانی و بازیگری حامد جوادزاده، با رویکردی انتقادی نسبت به اعمال نظرهای سلیقه ای و غلط متولیان کارناوالبد و غیرمتخصص، کمدی تلخ و سیاسی را پیش روی مخاطبان قرار داد تا با طرح مسأله ممیزی، در عین سرگرم کردن مخاطب، او را وادار به تفکر جدی در عمق تاریک و ترسناک تفکر جرح و تعدیل کرده و تلاش کند با زبان طنزآلود و مطایبه، به این مسأله بپردازد؛ پرسوه ای که در گوشه و کنار دنیا و طی دوره های مختلف تاریخ هنر و اندیشه، به ناحق ابزار برای محدودسازی گفتار منتقدانه، طنزآزانه، دلسوزانه و حتی عامیانه و عوامانه هنروز، هنرمند و هنردوست بوده و همواره در سراسر جهان، به صورت قانونی یا حتی غیرقانونی، هنرمند را برای تولید و انتشار هنر خود، محدود یا محکوم کرده است.

برای بسیاری از مخاطبان برنامه ممیزی، نوع طنز و محتوای شوخی های این برنامه، یادآور حساسیت های زیاد و فشارهای چندجانبه نهادهای رسمی و غیررسمی دهه های ۶۰ و ۷۰ بر اهالی فرهنگ و هنر است؛ موضوعی که به واسطه فشارهای مرتبط و غیرمرتبط در سال های مذکور، چندان به دور از واقعیت نبوده و با استناد به تاریخ نگاری ها و ثبت رخدادها و مستندات شفاهی و کتبی، می تواند به تنهایی عاملی برای ساخت مجموعه هایی با مضامین مشابه ممیزی باشد. هرچند که با چنین رویکردی، با تأیید اصطلاح سوختن خشک و تر، تیغ ممیزی، گریبانگیر آثار کم هایه ای و بی ارزش موسیقایی و سینمایی نیز شده و این مهم نیز در این تاک شو به خوبی مورد توجه قرار گرفته است، اما نوبت یکبار کلیت اثر و اهداف غایی و کلیدی این مجموعه به بدستی سمت اثر سوسو و مخرب ممیزی بوده و بدین شکل با تکثیر و بازتشر در شبکه های اجتماعی و خارج شدن از قالب نسبتاً محدود تر پلنفرم ها و شبکه های نمایش خانگی، به جامعیت و فراگیری مناسب در میان مخاطب دست یافته است. از سویی دیگر، نکته مستتر و نهان در دل مجموعه ممیزی، تمیز دادن اثر فاخر و ارزشمند با اثری کم هایه و مبتذل است. در واقع با رویکردی جامع تر و دقیق تر، تفکر بالا به پایین



اما نکته قابل تأمل و حائز اهمیت در ساخت و تولید محصولات فرهنگی مشابه ممیزی، توجه ویژه به متن و پرهمیز از آفت افتادن به ورطه تکرار است. در واقع به واسطه شکل و شیوه ساخت اثری همچون ممیزی و به دلیل محدودیت های ساختاری و محتوایی این گونه آثار، احتمال پیروی از یک الگوی تکرار شونده که در نهایت منجر به ایجاد یک چرخه کسالت بار خواهد شد وجود داشته و به تبع آن، از دست رفتن مخاطب و دلزدگی تماشاگر در ادامه روند تماشای این گونه آثار محتمل خواهد بود. از این رو پرداختن به موضوعاتی متنوع و در عین حال چالشی که مسأله روز فرهنگ و هنر بوده و بتواند برای مخاطب فهمیم و پیگیر این حوزه جالب توجه باشد و در میزانشن تکراری این گونه آثار، کنجکاوی برانگیز و تماشایی شود از اصول اصلی تولید این آثار بوده و دلیل مهمی برای استمرار محبوبیت و مقبولیت این مجموعه ها خواهد بود؛ اصلی که بدون وجود خلاقیت و پیگیری مضرانه موضوعات پراهمیت توسط سازندگان این قبیل آثار میسر و مقدر نخواهد بود.

درنگ

بار دیگر مولانا؛ این بار در قامت اپرا



ابراهیم عمران

روزنامه نگار

چه دارد این داستان مولانا و شمس که هر مدیومی مخاطب را به وجد می رساند؟ چه سری است که بیشتر مخاطبان بی آنکه خود بدانند در دایره دل و دلدادگی عرفانی این دو تن غرق می شوند! این بار بهروز غریب پور با «اپرا تئاتر مولوی» دنواز و طراحی صحنه چشمگیر مخاطب نمی تواند کتمان کند که در عشق این دو، آنچه مفاهیم غریب و قریبی مطرح می شود که شاکله اصلی عرفان از نظرها دور می شود، ولی از آنجا که ادبیات معهود طی سال ها با روح و جانش عجین شده، به کنه داستان وارد نمی شود. سخت است فهم و درک این عاشقانه های آمیخته به عرفان و با برعکس آن، طرب گویان های آنان را پابانی نیست.

اشعاری که انتخاب شده با صدای دلنشین همایون و محمد معتمدی نیز غنای کار را دوصد چندان می نماید. گویی حنجره این دو برای باورپذیری واژگانی است که آفریده شده است برای درک بهتر و عمیق تر. اپرای مولوی آنچه باورپذیر است که گویی این عروسکان متحرک، خود آدمیانی جاندار هستند. نوع حرکت و تکان های اندام شان کم از جانداران واقعی نداشت. شور و اشتیاق مولانا و شمس به هم را می شد در لرزش ها و نایسامانی های روح این عروسک ها دید. آتسان که مولوی مدهوش یار می شود. شمس لب به نصیحت می گشاید. موسیقی نیز به کمک می آید. ضرباهنگ کند و گاهی هم با شتاب؛ گویی می خواهد به مخاطب میزان شورمندی را القا نماید.

هرچه فیلم «مست عشق» نتوانست آن طور که باید این المان ها را بازسازی نماید و در جنبه افکت های سینمایی گرفتاری می شود ولی با فاصله چندماهه این اپرا دل ها را جلا داد. گویی داستان دلدادگی شمس و مولانا را جز موسیقی و کلام آواز، نمی توان بازگو کرد؛ و باید بپذیریم هم آوایی موسیقی و کلام این قدرت را دوصد چندان می کند. نزدیک به دو ساعت تماشای اپرا، خلسه ای نای ایجاد می کند. سکوتی شاید ترسناک در پرده های. آنگاه که کلمات و آوازه ها در قالب اشعاری پرشور و نشاط مخاطب امروز را درگیر مابه ازاهایی می کند. قریبه سازی هایی که از دین و آزادی و آزادی که می دهد. از مسلمان بودن و مسلمانی. آری می توان مولانا را به هر نحوی شناخت. از خوانش شعر تا دیدن فیلم و تئاتر و کنسرت و اپرا. مهم آن است که این عارف پریشان در فهم مفاهیم معنوی و دنیوی در بی اثبات بندی بود. حال طی زمان این کرنش به بیاز (ذات حق) چه معنا باید در ذهن مخاطب؛ آن هم مخاطب امروزی بختی است جدا که در این مقال نمی گنجد.

عکس نوشت



بارش برف که از روزهای گذشته سراسر کشور افغانستان را فراگرفته است، باعث سفیدپوش شدن خیابان های مناطق مختلف و از جمله شهر کابل شد.

عکس: مهراڻ بی پروا
ایرنا



«ایران» رادر صفحه های مجازی دنبال کنید